

سيره رسول الله يا «السيرة النبوية»

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نوشته دکتر علینقی منزوی





چکیده: کهن‌ترین و معروفترین سیره رسول الله (ص) به ابن اسحاق فارسی نست داده می‌شود. ابن هشام این اثر را بازسازی کرد و سپس در سده چهارم هجری وزیر مغربی آن را ویراستاری و بخشندی کرد. نویسنده، پس از معرفی ابن اسحاق، ابن هشام و وزیر مغربی نسخه‌ای از کتاب وزیر مغربی را که در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود، معرفی می‌کند.

این عنوان در سده‌های آغازین اسلام به نگاشته چندین کس اطلاق شده است. معروفترین و شاید کهن‌ترین آنها که تا امروز بجا مانده و چاپ شده است کتابی است که ابن اسحاق فارسی (۸۵ - ۱۵۰ هـ.) در سده نخست آن را نگاشته سپس ابن هشام (۲۱۸ - هـ.) آن را بازسازی کرده است. ویژگی نسخه جای گفتگوی ما در این است که سومین بار در آغاز سده چهارم به دست وزیر مغربی (۳۷۰ - ۴۱۸ هـ.) نوسازی یا دست کم ویراستاری و بخشندی شده است.

اینک کلمه‌ای چند در شناخت آن سه تن نامور که در این کتاب دست داشتند:

اول

محمد بن اسحاق مولای فارسی بو عبدالله پسر یسار مطلبی النولاء
کهن‌ترین تاریخ‌نگار ایرانی عربی نویس است.



فصلنامه کتاب. دوره چهارم، شماره اول،
بهار ۱۳۷۲



در مدینه پیرامون سال ۸۵ هـ. زاده شد. نیای او یسار پسر خیار پسر گوتان، از مسیحی شدگانی بود که به دستور پادشاه ایران در نقیره نزدیک شهر «عین تمر» به جرم مرتدشدن از آیین زردشت زندانی بوده‌اند، پس خالد بن ولید به سال ۱۲ هـ. پس از پیروزی آنان را اسیر کرده به مدینه فرستاد و برده قیس بن مخرمه پسر مطلب شد و فرزندان اش اسحاق و موسی و عبدالرحمان «مطلبی ولاء» خوانده شدند.

محمد بن اسحاق از جوانی بر خلاف نظر سلفیان به گردآوری اطلاعات گرایش می‌داشت و به شیوة ایرانیان در کسب علم فرقی میان زن و مرد نمی‌دید. پس در دانش تاریخ شناخته شد.

در سال ۱۴۳ هـ. در زمره اطرافیان عباس بن محمد حاکم جزیره (کردستان) بود و سپس در هاشمیه به دربار منصور خلیفه عباسی (۹۵ - ۱۵۸) راه یافت و به دستور او کتابی در تاریخ جهان از آدم تا آن روزگار در سه بخش: آغاز کار، بعثت، جنگها، برای پسرش مهدی نگاشت. سپس آن را به دستور منصور خلاصه و کوتاه کرد و بدو پیشکش نمود. پس به دستور مهدی، ولیعهد منصور، به ری که در آن روزگار نوسازی می‌شد فرستاده شد. سپس به عراق بازگشت و در بغداد بزیست تا در سال ۱۵۰ یا ۱۵۱ درگذشت و در گورستان خیزران (گور کنونی بوحنیفة) ب خاک سپرده شد.

سیره ابن اسحاق در سده هفتم به دست رفیع الدین اسحاق همدانی دادرس ابرقوه به فارسی گردانیده شد که چاپ شده است لیکن جای گفتگوی ما نیست.

دوم

ابن هشام (- ۲۱۸ هـ.) عبدالملک پسر هشام پسر ایوب او را به قبیله‌هایی از عرب چون حمیر و معافر و ذهل و سدوس نسبت داده‌اند، و این نسبت‌های گوناگون جز به ولاء نتواند بود و تبار او ناشناخته‌تر از ابن اسحاق

فارسی است همین اندازه می‌دانیم که در بصره زاده و بزرگ شده و از آنجا به مصر رفته است.

تاریخ تولد او دانسته نیست مرگ او نیز در ۲۱۳ و ۲۱۸ هـ. مردد گفته شده است.

ابن هشام سیره ابن اسحاق را کوتاه کرد و چیزهایی بر آن بیفزود و آن را بازسازی کرد.

ابن هشام که نسبت ایرانی آشکار مانند ابن اسحاق را نداشت و عرب گراتر از او بود به قدری و شیعی بودن متهم نشد، شاید به همین سبب «سیره رسول الله» بیش از آنکه به نخستین نگارنده‌اش ابن اسحاق شهرت داشته باشد به ابن هشام نسبت داده شده است.

سوم

وزیر مغربی (۳۷۰ - ۴۱۸ هـ.) بوالقاسم حسین بن علی بن حسین بن علی، نسب به ساسانیان می‌رساند.

خاندان او به سبب تندروی در تشیع و کشاکش با فقیهان سنی دربار خلیفه از بغداد به سوریه رفتند، پدرش علی به دربار سیف الدوله همدانی (۳۰۳ - ۳۵۶ هـ.) نیمه شیعی راه یافت و به وزیری سعدالدوله پسر سیفالدوله گمارده شد، گویا به همان سبب تندروی از وی برنجید و از حلب به مصر نزد فاطمیان رفت.

وزیر مغربی در مصر به سال ۳۷۰ هـ. متولد شد.

روابط وزیر مغربی با فرمانروایان اسماعیلی مصر در دوران حاکم بامر الله تیره شد. تا آنجا که در ۳ ذی‌عقده سال ۴۰۰ هـ. پدر وزیر و عموی او و دو برادر وزیر به دستور حاکم کشته شدند و وزیر مغربی از مصر بگریخت و به فرمانروای رمله فلسطین به نام حسان بن جراح طایبی پناه برد و سپس به حجاز رفت و در هر دو جا فرمانروایان را بر ضد مصر برانگیخت. لیکن مصریان او

را از حجاز و فلسطین نیز راندند تا به عراق آمد و به وزیر فخرالملک بوغالب پسر خلف پناه برد. چون خبر او به خلیفه قادر عباسی (۳۸۱ - ۴۲۲ هـ.) رسید از فخرالملک تبعید او را خواستار شد لیکن وزیر فخرالملک پوزش خواست و چون وزیر به واسط منتقل شد مغربی را با خود بدانجا برد، پس چون فخرالملک کشته شد و مغربی بی‌پناه ماند، واسط‌ها برای قادر فرستاد و از نسبت‌های غالی بودن تبری جست. پس اجازت یافت تا به بغداد آمد و پس از اندکی به موصل رفت و چنین اتفاق افتاد که دبیر معتمدالدوله قرواش امیر بنی عقیل درگذشت و مغربی برجای وی به دبیری گمارده شد و به کوشش پرداخت تا وزیری ملک مشرف الدوله بویه (۴۱۱ - ۴۱۶ هـ.) را بدست آورد. در این هنگام وزیر مؤید الملک بوعلی در بغداد بازداشت شد و برای بوالقاسم مغربی دستور آمد تا از موصل به پایتخت شده به وزیری بی لقب و خلعت گمارده شد ولی او حق دور کردن دراعه دبیری را نداشت پس پیشامدی شد که مشرف الدوله ناگزیر از ترك بغداد شد و مغربی به اوانا نزد ابوسان غریب بن محمد بماند و پس از چندی رنجشی روی داد تا مغربی آنجا را رها کرده به نزد قرواش در موصل بماند. سپس بدینی خلیفه قادر بالله نسبت به او سخت‌تر شد و دستور تبعیدش را داد، پس وزیر مغربی به نزد بونصر احمد بن مروان به میافارقین شد و مهمان او بماند تا درگذشت و گویند وزیر وی بود تا در ۱۳ رمضان ۴۱۸ هـ. درگذشت. او وصیت کرد تا جنازه‌اش را به نجف، زیارتگاه حضرت علی (ع)، برده به خاک سپردند و شعری تشیع‌گرا را بر سنگ گورش تراشیدند.

وزیر مغربی گاهی نیز در باره کتاب دیگران کاری انجام می‌داد، چنانکه او کتاب اصلاح المنطق ابن سکیت شعبی شهید به سال ۲۴۳ هـ. را کوتاه کرد (ذریعه ج ۲ ش ۶۳۷) و از این دست است کاری که روی سیره ابن اسحاق - ابن هشام انجام داده است. او کتاب سیره را به سی بخش هم اندازه تقسیم نمود تا روزانه یکی از آن بخشها را بررسی کند تا آن را از بر کند.

کتاب دیگر وزیر مغربی ایناس خوانده شده است (ذریعه ۲: ش ۲۰۳۳) حلکان یک دیوان شعر و نثر و ادب الخواص و المأثور فی ملح الخدور را نیز به وی نسبت داده که در ذریعه نیز منعکس است.

زرکلی کتاب السیاسه را که چاپ شده و منتخب شعر بوتمام و منتخب شعر بحتری و منتخب شعر متنبی و رد بر آن را بر آنها افزوده است.

نسخه سیره جای گفتگو:

نسخه ما از روی نسخهای نوشته شده است که بنا بر تقسیم وزیر مغربی حسین بن علی (۳۷۰ - ۴۱۸ هـ.) به سی بخش تقسیم شده بود. نویسنده نسخه ما در پایان نخستین بخشی که در میان داستان «اصحاب فیل» است چنین می‌نویسد: عن عائشه، قالت: لقد رأيت قائد الفيل و سائسه بمكة اعميين مقعدين يستطعمان الناس اثم الجزء الاول من سيرة رسول الله (ص) من قسمة ثلاثين جزء و هي قسمة الوزير المغربي ابي القاسم بن المغربي ادام الله تأييده و يتلوه انشاء الله في الذي بعده... في وصفه الفيل في الشعر! پس از این، به صفحه پایان می‌دهد و در آغاز صفحه بعد چنین می‌نویسد: بسمله، ما قبل في صفة الفيل من الشعر: قال ابن اسحاق: فلما رد الله الحبشة من مكة...

عبارت میان [دو گروه] که نشان دهنده بخشبندی سیره ابن هشام به دست وزیر مغربی است از چاپ مصر تحقیق سه استاد: سقا، ابیاری، شلبی ج ۱ ص ۵۹ سطر دوم حذف شده است. و عبارت ادام الله تأییده نشان می‌دهد که این قسمت از نسخه در حیات وزیر و پیش از مرگ او در سال ۴۱۸ نوشته شده است.

نویسنده این نسخه در برگ ۷۳ ب پس از چند سطر زیر عنوان استبدار قوم من خزاعة بولاية البيت چنین می‌نویسد:

اثم الجزء الثاني من سيرة رسول الله (ص) من اجزاء الوزير ابي القاسم ابن المغربي من قسمة ثلاثين جزء بعون... و يتلوه في الثالث منها تزويج قصي بن

کلاب بحبی بنت خلیل] و این عبارت در چاپ یادشده مصر (ج ۱ ص ۱۲۳) حذف شده است. نویسنده نسخه ما گویا این عبارت را در پایان هریک از بابهای سی گانه یاد کرده باشد و در نسخه ما در برگهای زیرین دیده می‌شود: برگ ۷۶- الف پایان جزء سوم از سی جزء برابر ج ۱ ص ۱۷۸ چاپ مصر برگ ۹۲- الف پایان جزء چهارم از سی جزء برابر ج ۱ ص ۲۲۸ چاپ

مصر

برگ ۱۱۲- الف پایان جزء پنجم از سی جزء

در نسخه ما پایان نامه پنج جزء از سی جزء بخشبندی وزیر مغربی در بخشهای کهن این نسخه باقی مانده است و در بخشهای نونویس آن حذف شده است. بخشهایی که بخشبندی وزیر مغربی را معین کرده است بی تاریخ است. خط بخشهای نونویس گوناگون است در برگ ۲۷۲- الف تاریخ وقت العصر يوم الخميس ۲۸ صفر ۱۰۷۸ ثمان و تسعين و الف دارد.

در برگ ۲۷۲- الف دیده می‌شود:

لرسم الشيخ المقام جمال الدين علي بن صلاح الرصاص عامله الله بالظافه الخفيه و وفقنا و اياه لصالح الاعمال و حرس من جميع الاهوال مهجته بحق محمد و الال و لاحول و لاقوة الا بالله العظيم.
كتبه الفقير الى رحمة و عفوہ السائل من ربه المغفرة و الرضوان علي بن محمد المرتضى و فقه الله تعالى.

پنج جزء از سی جزء بخشبندی وزیر مغربی در نسخه ما چنین دیده می‌شود:

جزء یکم که در نسخه ما پرگهای ۱۰ تا ۵۱ الف را در بردارد. در نسخه چاپ مصر تصحیح سه استاد، در ج ۱ ص ۱ تا ۵۹ سطر ۲ دیده می‌شود، که در داستان اصحاب فیل پایان می‌یابد.

جزء دوم که در نسخه ما از بقیه داستان اصحاب فیل در برگ ۵۱ تا عنوان «استبداد قوم من خزاعة بولاية البيت» در برگ ۷۳ ب را در بردارد در

نسخه چاپی یاد شده بالا در ج ۱ ص ۵۹ تا ۱۲۳ دیده می‌شود.

جزء سوم: که از عنوان تزویج قصی بن کلاب حبیب بنت خلیل تا عنوان «وفات عبدالمطلب و ماری به من الشعر» در چاپ یاد شده ج ۱ ص ۲۳ تا ۱۷۸ است در نسخه ما که افتادگی دارد، تنها در برگهای ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ - الف - دیده می‌شود نسخه پایان دارد لیکن آغازش افتاده است.

جزء چهارم: که از عنوان وفات عبدالمطلب آغاز شده و به پایان عنوان اخبارالیهود پایان می‌گیرد، در نسخه ما در برگهای ۷۶ ب تا ۹۲ - الف است و در نسخه چاپی یاد شده بالا در ج ۱ ص ۱۷۸ تا س ۳ ص ۲۲۸ ج ۱ دیده می‌شود.

جزء پنجم: که از عنوان حدیث اسلام سلمان فارسی آغاز شده است. در نسخه ما از برگ ۹۲ ب آغاز شده است و پایانش افتاده است.

شماره شناسه این نسخه در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۳ ع است

۲۷۹ برگ دارد. جلد مقوا رویه پارچه گل بوته دار ۳۰۵x۲۱۰

۱۸ و ۲۰ سطر ۲۱۰x۲۱۳ (از آغاز تا برگ ۱۱۹)

بی تاریخ لیکن در سده‌های چهارم و پنجم هجری نوشته شده است. باقی نسخه گوناگون و در برگ ۲۷۲ تاریخ تحریر ۱۰۷۸ - ۲۸ صفر آمده است و در همین جا نام کاتب علی بن محمد المرتضی دیده می‌شود. در مهر بیضی متمایل به دایره کلمات الله، المهدی دیده می‌شود و چند کلمه دیگر ناخوانا است.

از سیره ابن هشام نسخه‌ای در سپهسالار با شمار ۱۵۷۹ نوشته سده هفتم (فهرست ج ۵ ص ۱۲۴) و نسخه‌ای دیگر در دانشگاه با شماره ۲۱۴۸ نوشته رجب ۱۱۰۵ (فهرست ج ۹ ص ۸۴۶) دیده می‌شود.

این کتاب را فردیناند وستنفلد Ferdinand Wusetenfeld در گوتینگن

آلمان با مقدمه و تعلیقات آلمانی و فهرستها و سه مجلد از سال ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۰ چاپ و پخش کرد. او در مقدمه خود به وجود نسخه سی بخشی وزیر مغربی اشارت کرده لیکن اطلاعی از نسخه کهنی از سده پنجم ندارد. شایسته است از بخشهایی که وستنفلد نشان می‌دهد میکروفیلم تهیه گردد تا معلوم شود که نسخه‌های ویراستاری شده این وزیر شیعی اسماعیلی با نسخ دیگر و چاپهای گوناگون کتاب چه اختلاف دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی